



برنامه درسی پنهان و عدالت آموزشی: ماهیت، کارکردها و پیامدها

کوثر رضائی مسک^۱، دکتر هادی پورشافعی^۲

^۱ کارشناسی ارشد، مدیریت آموزشی، دانشگاه بیرجند

Korezaei7579@gmail.com

^۲ دانشیار مدیریت آموزشی، دانشگاه بیرجند

hpourshafei@birjand.ac.ir

چکیده:

یکی از بحث‌های استراتژیک نظام، بحث عدالت آموزشی است. به‌طوری که در سند تحول یکی از راهبردهای اصلی، بسط و گسترش عدالت آموزشی قرار داده شده است. در واقع یکی از شرایط لازم برای یک جامعه متعالی، پویا و توسعه‌یافته، دستیابی به عدالت، است. زیرا عدالت آموزشی زمینه‌ای به‌منظور دستیابی به عدالت اجتماعی است. به‌طوری که اگر نظام نتواند آن را تعمیم دهد قطعاً شکاف طبقاتی و فاصله طبقاتی زیاد خواهد شد و نارضایتی و نابهنجاری در سیستم به وجود خواهد آمد. بنابراین هرچه این پدیده بیشتر تعمیم پیدا کند و برای گسترش و بسط آن هم‌اندیشی شود قطعاً به پایداری اجتماع کمک خواهد شد و جامعه پیشرفت و توسعه پیدا خواهد کرد. بدین منظور در پژوهش حاضر برای بیان روشن از عدالت، ابتدا به مفهوم عدالت و سپس به مفهوم آن در حوزه آموزش و پرورش پرداخته است

واژگان کلیدی: عدالت آموزشی، نظام آموزشی، آموزش و پرورش، معلمان



۱- مقدمه

یکی از اولویت‌های اساسی در آموزش و پرورش بازنگری در نظام برنامه درسی است. نظام جدید برنامه درسی، فرصت‌های فراوانی برای مشارکت فعال و فراگیر در جریان آموزش و یادگیری پیش‌بینی می‌کند. محتوای برنامه درسی و شیوه‌های آموزش به گونه‌ای است که نیازهای فردی، اهداف و واقعیات زندگی اجتماعی، تفاوت‌های فردی و امکانات منطقه‌ای و اجرایی را مورد نظر قرار داده و بر اساس آن جریان یادگیری را هدایت می‌نماید (اربابی و سبحانی، ۱۴۰۲). عدالت از مفاهیم بنیادی است که همه ادیان الهی با هدف تحقق آن از سوی خدای متعال و به واسطه انبیا نازل شده‌اند. مهمترین دغدغه پیام آوران الهی بعد از شناخت خدا و نزدیک کردن انسان به او، ایجاد و بسط عدالت بوده است. دین اسلام نیز به عنوان خانم ادیان، تحقق عدالت را سرلوحه اهداف خود قرار داده است. به‌طوری که وجود ۲۹ آیه از قرآن کریم در باب عدالت، شاهدی بر اهتمام اسلام بر آن اصل است (مایر، ۲۰۲۱).

یکی از مؤثرترین راههای تحقق عدالت آموزشی تأمین فرصت‌های یکسان برای دسترسی عموم افراد جامعه به آموزش و پرورش است. در جهان کنونی یکی از شاخص‌های پیشرفت، آموزش و پرورش و چگونگی بهره‌مندی از آن است. بر همین مبنا کشورها به‌خصوص کشورهای در حال توسعه در صدد ایجاد فرصت‌های برابر و دسترسی همگان به آموزش و پرورش هستند (حسینی‌بر و همکاران، ۱۴۰۰). به‌عبارتی دیگر محقق شدن عدالت در یک جامعه، ارتباط تنگاتنگی با فرهنگ و آموزش آن کشور دارد. اگر در آموزش و فرهنگ یک کشور گریز از تبعیض، فساد، خیانت و حقکشی وجود داشته و مردم به حق و عدالت گرایش داشته باشند، می‌توان به نوعی تعادل در آموزش رسید که همان عدالت فرهنگی و آموزشی است. آموزش به عنوان رکن ترقی و پیشرفت یک کشور در صورتی فراگیر خواهد شد که عدالت آموزشی در سیستم آموزش و پرورش و نهادهای آموزشی دیگر حاکم شود. عدالت آموزشی یعنی بهره‌گیری همه استعدادهای کشور از امکانات متناسب با نیازهایشان به‌طوری که تحقق این آرزوی دیرین مستلزم اراده‌ای قوی و همه‌جانبه‌نگر است تا با جلوگیری از انباشت امکانات و توانمندی‌ها در یک نقطه خاص یا برخی مناطق برخوردار، زمینه بهره‌مندی همه استعدادها از امکانات را فراهم آورند (سامری و همکاران، ۱۳۹۴).

عدالت در محیط‌های آموزشی زمانی محقق می‌شود که از طریق درون دادها و فرآیندهای جاری در محیط آموزشی، افراد قادر باشند به اهداف غایی که اهداف علمی و آموزشی، اعتقادی، اخلاقی و اجتماعی است، دست یابند. رتبه‌بندی دانش‌آموزان و مقایسه آن‌ها با یکدیگر بدون توجه به تفاوت‌های فردی قدمتی طولانی دارد اما این موضوع با فرایند آموزش و یادگیری بیگانه است زیرا رقابت فردی با موفقیت در آموزش که در برگزیده کمک‌رسانی و حمایت از دانش‌آموزان در فرایند یادگیری است تضاد دارد. آنچه می‌تواند منجر به کیفیت بالای یک نظام آموزشی شود وجود برنامه‌های درسی یکسان اما متناسب با ویژگی‌های خاص خود است که این امر به نوعی تغییر برنامه درسی را با خود به همراه خواهد داشت (نیلسن، ۲۰۲۰).

با توجه به اهمیت عدالت آموزشی در برنامه درسی، محققان خارجی و داخلی زیادی به مطالعه این موضوع پرداخته‌اند. مک کوان (۲۰۱۶) در پژوهشی به ارزیابی مفهوم عدالت در سه کشور انگلیس، برزیل و کنیا پرداخته است. همچنین برویس (۲۰۱۸) در پژوهش خود به بررسی رابطه بین سیاست‌های دسترسی عادلانه و گفتمان‌های توسعه از طریق تجزیه و تحلیل سیاست اصلاحات آموزش عالی در اندونزی پرداخته است. نتایج حاکی از آن است که چگونه گفتمان‌های نئولیبرال، سرمایه انسانی، توسعه فراگیر، در ساخت بازار آموزش عالی فراخوانی شده‌اند. در پژوهشی دیگر که توسط نیلسن (۲۰۲۰) انجام شده است به بیان مفهوم عدالت آموزشی در بازی و سیستم آموزشی کودکان پرداخته است. نتایج حاکی از آن است که ما باید از بازی در دوران کودکی محافظت کنیم، باید به جای عملکرد بازی که نیاز به محافظت دارد، توانایی کودکان برای بازی باشد.

در ایران ذاکری (۱۳۹۶) در مطالعه‌ای به بررسی راهکارهای تحقق عدالت آموزشی در آموزش و پرورش استان هرمزگان پرداخته‌اند. نتایج حاکی از آن است که امکانات، منابع آموزشی، انسانی، ساختمان و تجهیزاتی که در استان‌های مرزی کشور وجود دارد با استان‌های مرکزی به هیچ عنوان قابل مقایسه نیست. همچنین اسلامی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با استفاده از روش کیفی به بررسی مؤلفه‌های عدالت آموزشی برای دانش‌آموزان پرداخته است. در پژوهشی دیگر که توسط اسعدی (۱۴۰۲) انجام شده است، با استفاده از روش توصیفی، تحلیلی و کاربردی به تحلیل اصل عدالت در اخلاق حرفه‌ای معلم و کاربست آن در موقعیت‌های کاربردی اشاره شده است.

بنابراین با توجه به مطالعات داخلی و خارجی انجام شده می‌توان بیان داشت با توجه به اهمیت و جایگاه عدالت در سیستم آموزشی، در پژوهش حاضر به تدوین چهارچوبی در زمینه ماهیت، کاربرد و پیامدهای ناشی از عدالت آموزشی پرداخته شده است.

¹ Meyer
² Nielsen



۲- روش شناسی

این پژوهش از نوع مروری است و از مطالعات پیشین و آمار و اطلاعات موجود به عنوان منابع استفاده شده است. در این تحقیق تلاش شده است، عدالت آموزشی؛ ماهیت، کارکرد و پیامد آن بر اساس منابع و داده‌های موجود مورد بررسی قرار گیرد.

۳- بحث درباره یافته‌ها

عدالت واژه‌ای است که از دیرباز توانسته است ذهن و زبان‌های زیادی را تسخیر کند. عدالت ابعاد گوناگونی مانند عدالت اقتصادی، قضایی، سیاسی، آموزشی و قومیتی دارد. عدالت آموزشی یکی از زیربنایی‌ترین ابعاد عدالت است. در فرهنگ دینی ما همان قدر که علم و آموزش مورد تأکید قرار گرفته است بر عدالت به عنوان یک اصل ضروری نیز پای فشرده‌اند. به طوری که پیشرفت جامعه امروز منوط به تحقق عدالت آموزشی است. به عبارتی دیگر عدالت آموزشی می‌تواند آموزش و پرورش ما را در همه حوزه‌ها دچار تحول کند و زمینه بروز استعدادها و توانمندی‌ها در سطوح کلان باشد. محقق شدن عدالت در یک جامعه، ارتباط تنگاتنگی با فرهنگ و آموزش آن کشور دارد. اگر در آموزش و فرهنگ یک کشور گریز از تبعیض، فساد، خیانت و حق‌کشی وجود داشته باشد و مردم به حق و عدالت گرایش داشته باشند، می‌توان به نوعی تعادل در آموزش رسید که همان عدالت فرهنگی و آموزشی است. جایگاه رفیع آموزش و وجود استعدادهای سرشار و توانمند، وجود عدالت را بیشتر ضروری می‌سازند (ثناگو و همکاران، ۱۳۹۰).

آموزش به عنوان رکن ترقی و پیشرفت یک کشور در صورتی فراگیر خواهد شد که عدالت آموزشی در سیستم آموزش و پرورش و نهادهای آموزشی دیگر حاکم شود. هدالت آموزشی یعنی بهره‌گیری همه استعدادهای کشور از امکانات متناسب با نیازهایشان و تحقق این آرزوی دیرین مستلزم اراده‌ای قوی و همه جانبه‌نگر است تا با جلوگیری از انباشت امکانات و توانمندی‌ها در یک نقطه خاص یا برخی مناطق برخوردار، زمینه بهره‌مندی همه استعدادهای از امکانات را فراهم آوردند (نیتسنگه^۳، ۲۰۱۸).

عدالت آموزشی در آموزش و پرورش از اصولی است که اخیراً دولت‌مردان برای اجرای آن اهتمام خاص مبذول داشته‌اند و در برنامه‌های کار به دستان آموزش و پرورش بر اجرای این اصل غریب تأکید شده است. عدالت آموزشی آرزو و امیدی است که می‌تواند فردای روشنی را برای فرزندان این دیار به ارمغان آورد. عدالت آموزشی بنیان فکر و فرهنگ یک جامعه است. زمانی که عدالت آموزشی در یک سیستم آموزشی حاکم باشد، فرهنگ آن جامعه متوازن و پایدار خواهد بود و در بستر این فرهنگ متوازن؛ بالندگی فکری، اقتصادی، سیاسی و آموزشی رشد می‌کند. تنها در صورتی می‌توان به عدالت در جامعه امید بست که عدالت آموزش حاکم باشد (ووزن‌استاین و جانگ‌بولد^۴، ۲۰۱۶). عدالت آموزشی می‌تواند بستر ساز آموزشی، اجتماعی و اقتصادی باشد. به طوری که با عدالت اجتماعی، نخبگان شناسایی و جذب، یکسو نگری و یک جانبه‌گرایی رنگ می‌بازد و زمینه بروز همه استعدادها فراهم می‌شود. عدالت آموزشی که جزیی از عدالت فرهنگی است زمینه برخورداری افراد یک جامعه از همه امکانات برابری آموزش را فراهم می‌آورد. در طول تاریخ، عدم وجود عدالت آموزشی و فرهنگی از سرعت پیشرفت تمدن بشری کاسته است. به طوری که همواره تضاد طبقاتی به چشم می‌خورد. یکی از شاخه‌های مهم عدالت محوری، فراهم شدن امکان رشد و اعتدال فرهنگی و آموزشی برای همه مردم صرف نظر از جنس، طبقه، نژاد و یا رنگ است (شکوهی و رحمانیان کوشکی، ۱۴۰۰).

با تحقق عدالت آموزشی و فرهنگی، همه استعدادهای توانمند بارور و شکوفا می‌شود. با عدالت فرهنگی و آموزشی، می‌توان بین اجزای جامعه همسویی ایجاد کرد و جامعه را به سمت اهداف متعالی پیش برد و حس میهن دوستی، فداکاری، ایثار، غیرتمندی و ایستادگی در برابر ظلم را در آن جامعه برانگیخت و آن را یک صدا و یک پارچه در راه سازندگی و آبادانی و پیشرفت پیشگام کرد. همچنین عدالت آموزشی می‌تواند بنیان جامعه را متحول و کشور را به سمت علمی نگری حرکت و آن را از صعب‌ترین مسیرها برای نیل به سربلندی سوق و همچنین جامعه را از فقر مضاعف و تنگدستی برهاند. تحقق عدالت آموزشی یکی از اصول مهم و حیاتی است. با عنایت به ضرورت و تاثیر عدالت آموزشی سؤال اساسی این است که این عدالت چگونه باید محقق شود؟ برای فراگیر شدن عدالت آموزشی در حوزه‌های تعلیم و تربیت چه باید کرد؟ با توجه به پراکندگی کشور و شرایط خاص اقلیمی، فرهنگی، سازمانی و قومی چگونه می‌توان باور عدالت آموزشی را بسط و گسترش داد؟ و زمینه اجرای عملی آن را فراهم ساخت؟ در زیر به اختصار به برخی راهکارهای تحقق این اصل پرداخته شده است (شیرکرمی و بختیارپور، ۱۳۹۳):

۱. حکومت باید همه آحاد جامعه را با هر وابستگی زبانی، نژادی و قومی، فرزندان شایسته خود بداند و نسبت به آنان عطف و مهربانی داشته باشد و صادقانه زمینه برخورداری آنها را از امکانات آموزشی فراهم آورد. توزیع امکانات باید در مناطق محروم و برخوردار عادلانه

³ Nethsinghe

⁴ Vossensteyn & Jongbloed



باشد و زمینه نیست گروهی در مدارس با آخرین تکنولوژی درس بخوانند و گروهی در زیر چادرها یا در کلاس های کپری نمناک یا در مدارس کاهگلی در آستانه تخریب با انبوه دلهره ببرند.

۲. توزیع عادلانه نیروی انسانی تحصیل کرده و فرهنگیان مجرب یکی از ضرورت های تحقق عدالت آموزشی است. امروز تراکم نیروی مجرب و کارآموده در مراکز استان ها و شهرستان ها باعث شده است تا مناطق محروم با فقر فکری و فرهنگی برخورد داشته باشند. آموزش و پرورش برای گسترش و ایجاد روحیه خدمت در این مناطق با تخصیص امتیازات ویژه، رغبتی خاص در فرهنگیان ایجاد نماید تا بتوانند نسبت به تربیت فرزندان محروم روستاها و مناطق محروم اقدام نمایند. تدوین کتب درسی متناسب با موقعیت و شرایط استان های همجوار می تواند محتوای کتب درسی را به سمت عدالت آموزشی سوق دهد. وقتی کتب درسی متناسب با فرهنگ های بومی تدوین شود، ضمن تعمیق اطلاعات، باعث رویکرد دقیق و علمی جوانان به علم و آموزش خواهد شد. ریشه بسیاری از ترک تحصیل های امروز ناهمخوانی محتوای کتب درسی با نیازهای فراگیران است. آموزش زبان های رایج در بین قومیت ها از مدارس تا سطوح علمی که مطابق اصل ۱۵ قانون اساسی است می تواند گامی موثر در علاقه مندی دانش آموزان به علم و آموزش باشد و زمینه عدالت آموزشی را بیشتر فراهم آورد.

۳. پرهیز از سیاسی نمودن مدیریت ها و نهادینه نمودن ثبات مدیریت از اصولی است که می تواند تحقق عدالت را تسریع بخشد. عدالت آموزشی ایجاب می کند عاقل ترین و داناترین افراد، مسند علم و آموزش را به دست بگیرند. وجود نیروهای مجرب و خلاق و نوآور می تواند آموزش و پرورش را دچار تحول و دگرگونی اساسی کند. عدالت آموزشی ایجاب می کند داناترین کارها را به دست گیرند و برای حاکم شدن ارزش های والای انسانی و گسترش عدالت و مردم باوری و نیک پنداری از هیچ تلاشی دریغ نورزند.

۴. ایجاد زمینه مناسب برای تحصیل دختران و پسران خصوصاً بازماندگان از تحصیل که کار و تلاش برای امرار معاش باعث شده است آنان نتوانند مانند دیگران بدون دغدغه ادامه تحصیل دهند. دولت می تواند با گسترش مدارس شبانه روزی بیشتر خصوصاً در مناطق روستایی زمینه تحصیل فرزندان می تواند با گسترش مدارس شبانه روزی بیشتر خصوصاً در مناطق روستایی زمینه تحصیل فرزندان این عزیزان را فراهم آورد.

۵. اختصاص منابع مالی و سرانه های دانش آموزی مطلوب به نحوی که بین دانش آموزان هر دوره تفاوت چندانی وجود نداشته باشد. در حالی که امروزه سرانه های اختصاص یافته به یک دانش آموز دبیرستانی چندین برابر یک دانش آموز ابتدایی است و این تضاد باعث خواهد شد بیشترین آمار مردودی، ترک تحصیل و از مدرسه گریزی به علت عدم وجود جاذبه های لازم آموزشی از دوره های راهنمایی و ابتدایی باشد.

۶. ایجاد زمینه مناسب برای بهره مندی معلمان از امکانات رفاهی مطلوب از مواردی است که امروزه به فراوانی شاهد هستیم که بسیاری از امکانات رفاهی در برخی مناطق خاص مورد استفاده معدودی از معلمان قرار می گیرد و این نمی تواند عادلانه باشد. لذا افزایش این مراکز نظیر اماکن ورزشی در مناطق مختلف کشور می تواند زمینه دلگرمی فرهنگیان را فراهم آورد.

۷. بهره گیری از رسانه های فراگیر نظیر رادیو، تلویزیون برای معرفی برنامه های مدارس بیشتر متعلق به مراکز استانها است و دولت کمتر به مدارس دور افتاده کپری و مدارس در حال ریزش توجه کرده است. توجه به مدارس روستایی و معلمان مناطق محروم در برنامه های رادیو و تلویزیونی می تواند باعث رغبت کاری بیشتر در معلمان شود.

۴- نتیجه گیری و پیشنهادها

عدالت از موضوعاتی است که از گذشته تاکنون در میان اندیشمندان مورد توجه بوده است و در مباحث سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اثرگذار است. در عصر حاضر و به سبب اهمیت یافتن تربیت نسل نوساخته در توسعه، تعالی و تداوم حیات جوامع، تربیت به ویژه نوع رسمی و عمومی آن اعتبار فراوان یافته است. از این منظر عدالت آموزشی نیز مورد توجه زیاد قرار گرفته است. اما عدالت در آموزش از مقوله هایی است که صاحبان اندیشه کمتر به آن توجه داشته اند. در پژوهش حاضر سعی شده است ابتدا به مفهوم عدالت پرداخته شود و سپس مفهوم عدالت در حوزه آموزش و پرورش مطرح شده است. بر این اساس، الگوی ارزیابی عدالت آموزش با توجه به ابعاد و مؤلفه های طراحی شده است. نتایج پژوهش انجام شده حاکی از آن است که در وضعیت مطلوب آگاه کردن برنامه ریزان نسبت به اهمیت و نتایج برابری فرصت های آموزشی، راهکاری مهم در جهت تحقق برابری فرصت ها قلمداد شده است.



براساس نتایج حاصل از پژوهش حاضر، پیشنهاد می‌شود که موقعیت اقتصادی و اجتماعی دانش‌آموزان، صرفاً به‌عنوان یک معیار و ملاک برای قضاوت دانش‌آموزان و دادن امتیاز برای کسب نمره بیشتر به آن‌ها قرار نگیرد. بلکه اخلاق تحصیلی به‌عنوان یک ملاک مهم در سنجش عدالت آموزشی قرار گرفته شود تا افراد اعمال و اقدامات خود را بر مبنای ارزش‌هایی نظیر صداقت، تکیه بر تلاش شخصی، رعایت شأن و احترام دیگران انجام دهند. معلمان نسبت به شناخت استعدادهای دانش‌آموزان توجه بیشتری نشان دهند تا نادیده گرفتن این امر منجر به تکذیب عدالت آموزشی در سطح مدرسه نشود. معیارهای کلی حاکم بر جامعه که بیانگر دستاوردهای آموزش یکسان برای دانش‌آموزان است با توجه به مناطق مختلف کشور و نیازها منطقه‌ای صورت پذیرد.

منابع

- اربابی، نرجس و سبحانی، سید محمد جواد. (۱۴۰۲). طراحی الگوی عدالت و برابری فرصت‌های آموزشی در مناطق محروم استان سیستان و بلوچستان با استفاده از نظریه داده بنیاد. *جغرافیا و روابط انسانی*، ۶(۱): ۳۶۶-۳۷۸.
- اسعدی، علی. (۱۴۰۲). تحلیل اصل عدالت در اخلاق حرفه‌ای معلم و کاربست آن در موقعیت‌های کاربردی آموزش. *پژوهش در آموزش معارف و تربیت اسلامی*، ۴(۳): ۵۵-۷۵.
- اسلامی‌هرندی، فاطمه؛ کریمی، فریبا و نادری، محمدعلی. (۱۳۹۸). شناسایی مؤلفه‌های عدالت آموزشی در آموزش و پرورش ایران. *پژوهش در نظام‌های آموزشی*، ۴۷(۱۳): ۷۵-۵۵.
- ثناگو، اکرم؛ مهیمن، نوملی و جویباری، مهستی. (۱۳۹۰). تبیین عدالت آموزشی در دانشجویان علوم پزشکی، افق توسعه آموزش و پرورش. ۳(۷۰): ۳۹-۴۴.
- حسین‌بر، یارمحمد؛ نادری، عزت‌الله و سیف‌نراقی، مریم. (۱۴۰۰). بررسی نابرابری‌های آموزشی سیستان و بلوچستان در مقایسه با شاخص‌های کشوری و ارائه الگویی برای تحقق عدالت آموزشی با تأکید بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی. *مطالعات آموزشی و آموزشگاهی*، ۳(۱۰): ۳۸۳-۴۱۳.
- سامری، مریم؛ حسنی، محمد و سیدعباس‌زاده، میرمحمد. (۱۳۹۴). تبیین نابرابری‌های آموزشی و ارائه مدل توسعه آموزشی به منظور آمایش و نیل به عدالت آموزشی موردشناسی: مناطق آموزشی استان آذربایجان غربی. *جغرافیا و آمایش شهری - منطقه‌ای*، ۵(۱۴): ۱۰۵-۱۲۲.
- ذاکری، فاطمه. (۱۳۹۶). بررسی راهکارهای تحقق عدالت آموزشی در آموزش و پرورش استان هرمزگان. *همایش علمی پژوهشی استانی راهبردها و راهکارهای ارتقا کیفیت در آموزش و پرورش*.
- شکوهی، مسعود و رحمانیان کوشکی، بهاره. (۱۴۰۰). چگونه انگیزش و عملکرد شغلی معلمان تربیت بدنی را بهبود بخشیم؟. *رشد آموزش تربیت بدنی*، ۷۳.
- شیرکرمی، جواد و بختیارپور، سعید. (۱۳۹۳). ارزیابی نابرابری‌ها در دستیابی به فرصت‌های آموزشی: با مطالعه موردی مقطع ابتدایی شهرستان دهلران در سال تحصیلی ۱۳۹۰-۹۱. *آموزش و ارزشیابی (علوم تربیتی)*، ۷(۲۶): ۴۱-۵۸.
- Brewis, E. (2018). Fair access to higher education and discourse of development: A policy analysis from Indonesia. *British Association for International and Comparative Education*
- McCowan, T. (2016). Three dimensions of equity of access to higher education. *A Journal of Comparative and International Education*, 46 (4), 645-665.
- Salleh, I., MohamadAli, N., MohdYousef, K.H., & Jamaluddin, H. (2017). Analysing qualitative data systematically using thematic analysis for deodoriser troubleshooting in palm oil refining. *Journal of Chemical Engineering Transactions*, 56, 1315-1320
- Nielsen, L. (2020). Teach them to play! Educational Justice and the capability for Childhood play. *Studies in Philosophy and Education*, 39(5), 465-478.
- Meyer, K. (2021). Talents, abilities and educational justice. *Educational Philosophy and Theory*, 53(8), 799-809.
- Nielsen, L. (2020). Teach them to play! Educational Justice and the capability for Childhood play. *Studies in Philosophy and Education*, 39(5), 465-478.
- Nethsinghe, R. (2018). Confronting of massification surge in higher education; sustaining the academic workforce and its excellent in Australia. In Dean. E. Neubauer., K. Mok., & J. Jiang



(Eds.). The sustainability of higher education in an era of post-massification, 59-71: London and New York; Routledge

Vossensteyn, J., & Jongbloed, B. (2016). Access to higher education, massification and beyond. In B. Jongbloed, & H. Vossensteyn. Access and expansion post-massification. Opportunities and barriers to further growth in higher education participation. Pp: 1-9, London and New York, Routledge